

فصل نامه پژوهش های تاریخی
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و هشتم، دوره جدید، سال چهاردهم
شماره سوم (پیاپی ۵۵)، پاییز ۱۴۰۱، ص ۷۴ - ۵۷
تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

مقاله پژوهشی

نقش نامه سری پروکوپوس در شکست حمله شاهپور دوم به سوریه در سال ۳۵۹م.

احمد الحواط* - محمدتقی ایمان پور** - پدram جم***

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران ahmad.alhwwat@gmail.com
** استاد تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسؤول) mimanpour@hotmail.com
*** استادیار تاریخ فرهنگ و زبان های باستانی ایران، گروه تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران jam1977@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

با روی کار آمدن شاهپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹م)، منازعات ساسانیان و رومی ها وارد مرحله جدیدی شد. سیاست شاهپور دوم در این دوره، دستیابی به شهرهای ثروتمند سوریه بود. برای تحقق این هدف، او سه بار در دهه ۳۴۰ م. تلاش کرد از طریق تصرف شهر نصیبین و عبور از بخش علیای رود فرات وارد سوریه شود که هر سه بار ناکام برگشت. شاهپور دوم در سال ۳۵۹م. به پیشنهاد آنتونیوس، یکی از سرداران رومی، تصمیم گرفت این بار از بخش میانی رود فرات به طرف سوریه پیشروی کند که این بار هم با شکست مواجه شد. هدف از این پژوهش پاسخ به این سؤال اساسی است که چرا شاهپور دوم با وجود انتخاب تاکتیک جنگی جدید، یعنی حمله مستقیم به سوریه در جنگ ۳۵۹م. شکست خورد. به نظر می رسد نامه سری پروکوپوس، یکی از سفرای رومی در ایران که توانست مخفیانه برنامه جنگی شاهپور را برای حمله مستقیم به سوریه به اطلاع رومیان برساند، در این شکست نقش اساسی داشت؛ زیرا رومی ها پس از اطلاع از نقشه جنگی شاهپور دوم، اقدامات مختلفی از جمله تقویت دفاعی ساحل فرات، تخریب یا محافظت از پل های آن، رویارویی نداشتن مستقیم با سپاهیان شاهپور و حضور در قلاع دفاعی شهرها در بین النهرین را در پیش گرفتند. با این استراتژی، آنها موفق شدند تا با اقدامات بازدارنده، از پیشروی سپاهیان شاهپور در سوریه جلوگیری کنند. با توجه به اینکه که تا کنون درباره نقش نامه سری پروکوپوس در شکست شاهپور دوم در جنگ سال ۳۵۹م. پژوهش مستقلاً انجام نشده است، بنابراین در این پژوهش تلاش شده است که با تکیه بر منابع نوشتاری کهن رومی، شواهد باستان شناسی و ارزیابی موقعیت جغرافیایی منطقه و با رویکرد تاریخی و روش توصیفی تحلیلی، دلایل ناکامی حمله شاهپور دوم به سوریه و نقش نامه سری پروکوپوس در این شکست بررسی شود.

واژه های کلیدی: شاهپور دوم، ساسانیان آنتونیوس، پروکوپوس، سوریه.

۱. مقدمه

در ادامهٔ منازعات ساسانیان و روم شرقی (بیزانس) و با روی کار آمدن شاهپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م)، جنگ‌های ساسانیان با روم در سدهٔ چهارم میلادی، وارد مرحله جدیدی شد. سیاست ساسانیان در این دوره، خصوصا در دورهٔ پادشاهی شاهپور دوم، دستیابی به شهرهای ثروتمند سوریه بود؛ بنابراین شاهپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) پس از آنکه قدرت خود را مستحکم کرد، مجدداً منازعات نظامی بین ساسانیان و رومیان از سر گرفته شد (Lee, 1993: 23). شاهپور دوم برای تحقق هدف خود تلاش کرد ابتدا از طریق تصرف شهرهای شمالی بین‌النهرین مانند نصیبین و آمد و عبور از بخش علیای رود فرات، سه بار در دههٔ ۳۴۰م. به نصیبین حمله کند؛ اما خساراتی که حین محاصرهٔ نصیبین به نیروهای شاهپور دوم وارد شده بود، مانع پیشروی ارتش ساسانی به سمت سوریه و در نتیجه عقب‌نشینی او شد (Dodgeon, and Lieu, 1991: 194).

شاهپور که همچنان در پی تسلط بر شرق مدیترانه بود، در بهار سال ۳۵۹م. بار دیگر ارتش خود را برای لشکرکشی به سوریه آماده کرد. شاهپور که تجربهٔ ناموفق فتح نصیبین و ذرهای رومی بین‌النهرین را از گذشته داشت، این بار به پیشنهاد آنتونیوس، استراتژی غیرمنتظره‌ای را اتخاذ کرد. او تصمیم گرفت به جای رفتن به جانب شمال بین‌النهرین و محاصرهٔ ناموفق شهرهای آن نواحی و کاستن از توان نظامی نیروهای خود، با دورزدن قلعه‌های رومی در بین‌النهرین مستقیماً به طرف سوریه حرکت کند. هنگامی که شاهپور حملهٔ خود را شروع کرد، در ابتدا برای رومیان روشن نبود که در ذهن او چه می‌گذرد، آنها فکر می‌کردند قلعه‌های شمالی بین‌النهرین از اهداف اصلی شاهپور خواهد بود. در این میان پروکوپیوس یکی از سفرای رومی که قبلاً به ایران فرستاده شده بود، توانست نقشهٔ جنگی جدید

شاهپور را به صورت سری به اطلاع رومیان برساند. آنان به محض اطلاع از هدف اصلی شاهپور، یعنی حملهٔ مستقیم به سوریه از طریق عبور از بخش میانی فرات، با تغییر تاکتیک‌های نظامی تلاش کردند تا ارتش شاهپور را از هدف اصلی، یعنی تصرف سوریه از طریق عبور از پل‌های بخش میانی رود فرات بازدارند.

بنابراین به دلیل اهمیت نقش نامهٔ سری پروکوپیوس که به اطلاع رومیان از اهداف اصلی شاهپور، به کارگیری تاکتیک مناسب در مقابل او و در نهایت به شکست شاهپور در این لشکرکشی منجر شد، هرچند تاکنون پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ جنگ‌های شاهپور دوم با رومیان انجام شده است، اما دربارهٔ نقش نامهٔ سری پروکوپیوس در شکست شاهپور دوم در جنگ سال ۳۵۹م. پژوهش مستقلی انجام نشده است. بنابراین در این پژوهش تلاش شده است با تکیه بر منابع نوشتاری کهن رومی و شواهد باستان‌شناسی، ارزیابی موقعیت جغرافیایی منطقه و با رویکرد تاریخی و روش توصیفی - تحلیلی، دلایل ناکامی حملهٔ شاهپور دوم به سوریه و نقش نامهٔ سری پروکوپیوس در این شکست بررسی شود که مسئلهٔ اساسی در این پژوهش است. اقدامات و تاکتیک‌های نظامی رومیان برای خنثی سازی نقشهٔ جنگی شاهپور دوم که آنان پس از آگاهی از محتوای نامهٔ پروکوپیوس در پیش گرفتند و در نهایت به توقف پیشروی سپاه شاهپور دوم به سوریه منجر شد، از دیگر مسائل مهمی است که در این پژوهش بررسی می‌شود.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در حوزهٔ تاریخ ایران، روم و سوریه، محققان پژوهش‌های ارزشمندی را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند. این پژوهش‌ها با توجه به موضوع بررسی شده، هرکدام شامل بخشی از روابط سیاسی دو قدرت باستان است. با وجود اطلاعات مفید و ارزشمندی که

است؛ اما در این آثار و یا آثار مشابه، تاکنون به نقش نامه پروکوپئوس در ناکامی لشکرکشی شاهپور دوم به سوریه کمتر توجه شده است؛ بنابراین ضرورت دارد که اهمیت و نقش این نامه در جنگ‌های ایران و روم به صورت خاص واکاوی شود.

۳. استراتژی شاهپور دوم در لشکرکشی به سوریه در سال ۳۵۹م.

شاهپور دوم در زمان کنستانتیوس دوم تلاش کرد به سوریه دستیابی پیدا کند (Dodgeon, and Lieu, 1991: 174) برای رسیدن به این هدف، او مجبور شد در ابتدا نصیبین را به تصرف آورد (DEMİR and KEÇİŞ, 2017: 13) زیرا از نظر استراتژیکی، این شهر نقش کلیدی در پیشروی ساسانیان در بین‌النهرین علیا و دستیابی آنان به شهرهای مهم سوریه داشت (Hilkens, 2014: 156).

شاهپور دوم در خلال سال‌های ۳۳۷ تا ۳۵۰م، سه بار نصیبین را محاصره کرد، ولی ساسانیان نتوانستند شهر را به تصرف درآورند (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۵-۱۹۴؛ وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۷۱). اهمیت استراتژیکی نصیبین در این واقعت نهفته بود که در طی درگیری‌های نیمه اول قرن چهارم میلادی، دژی محکم در برابر حملات ساسانیان به شمال بین‌النهرین و سوریه به حساب می‌آمد (Lee, 2007: 118) و رومی‌ها به خوبی می‌دانستند که از دست دادن نصیبین، به معنای بی‌دفاع ماندن شهرهای رومی در سوریه است؛ بنابراین، هنگام توقف عملیات‌های نظامی در بین سال‌های ۳۵۸/۹-۳۵۰م، رومیان تلاش زیادی برای تقویت دفاعی این شهر کردند و مرزبانان ایرانی این امر را به اطلاع تیسفون رسانیده بودند (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۶۱).

شاهپور دوم در سال ۳۵۹م، حمله دیگری را

این گونه آثار دارند، اما در هیچ‌یک از این آثار و پژوهش‌ها، نقش نامه پروکوپئوس در شکست سپاهیان شاهپور به طور مستقل بررسی نشده است، از جمله مهم‌ترین این منابع، به مقاله «جغرافیای تاریخی شهر آمد و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم در روزگار ساسانیان» اثر پرویز حسین طلایی؛ مقاله «War» اثر گولدسورثی؛ کتاب *The Eastern Frontier of the Roman Empire with special reference to the reign of Constantius II* لیتفوت و مقاله «Perceptions of eastern frontier policy in Ammianus, Libanius, and Julian» (337-363) اثر سیگر اشاره می‌شود که هر یک به صورت کلی به ابعاد خاصی از تاکتیک‌های جنگی رومیان برای مقابله با سپاه شاهپور دوم در سال ۳۵۹م. و نقش قلعه‌های مستحکم رومی در بین‌النهرین، در تضعیف انرژی ایرانیان اشاره دارند. همچنین به کتاب «تاریخ شاهنشاهی بزرگ ساسانی» اثر علی سماک محمدی؛ کتاب «روابط بیزانس و ایران در نیمه اول قرون وسطی» (۲۲۶-۶۴۱ میلادی) اثر کاظم میقانی و کتاب «التنافس الروماني - الساساني ۲۲۶-۴۱۶ م» اثر میثم عبدالکاظم جواد النوری اشاره می‌شود که در آن تنها جنگ‌های شاهپور دوم با روم و تاکتیک‌های نظامی فرماندگان رومی در مواجهه با حمله سپاهیان ساسانی در سال ۳۵۹م. به صورت عام بررسی شده است. همچنین باید به مقاله بلوکی با عنوان «The Coded Message in Ammianus 18.6.17-19» اشاره کرد که در آن اطلاعات ارزشمندی درباره تفسیر نامه پروکوپئوس فراهم کرده است، اما به اقدامات نظامی رومیان برای مواجهه با سپاه ساسانیان اشاره نکرده است. بنابراین هر یک از این تحقیقات، اطلاعات مفید و تحلیل‌های خوبی درباره حمله شاهپور دوم به سوریه ۳۵۹م. ارائه کرده‌اند که البته در این پژوهش از آن بهره گرفته شده

بنابراین او پیشنهاد داد تا به جای حمله و محاصره دژهای بین‌النهرین و از دست دادن وقت، انرژی و از همه مهم‌تر تجهیزات، بهتر آن است که شاهپور از طریق شمال بین‌النهرین و اوسرینه به سوریه بی‌دفاع و ثروتمند حمله کند و آن حدود را به تسلط خود درآورد (حسین طلایی، ۱۳۹۶: ۹۶)؛ یعنی قبل از آنکه رومیان فرصت مقاومت و یا مقابله پیدا کنند؛ زیرا سرعت عمل نقش مهمی در پیروزی و موفقیت سپاهیان ساسانی داشت (Ammianus Marcellinus, 18.6.3, Pp 437-435).

لیانوس بر اهمیت شخصیت و پیشنهاد آنتونیوس تأکید می‌کند که او را دمتریوس دوم* می‌خواند (Libanius, 1903: OR, xii.74, Pp 36-35). آمیانوس مارسیلیانوس ادعا می‌کند که شاهپور به این دلیل با پیشنهاد آنتونیوس موافقت کرد که می‌دانست در گذشته، محاصره نصیبین پیشرفت کمی داشته است و اگر این طرح موفقیت‌آمیز باشد، او موقعیت مستحکم‌تری برای رسیدن به اهداف واقعی و لغو قرارداد ۲۹۹م. در ازای عقب‌نشینی مطالبه می‌کند (Ammianus Marcellinus, 18.5.7-8, 6.2-4, P 433, 437).

۴. نامه پروکوپوس

شاهپور دوم جنگ خود را در سال ۳۵۹م. با کمک قبایل هون و رهبر آنها گرومباتس علیه رومیان و با هدف دستیابی به سوریه آغاز کرد (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۷؛ دریایی، ۱۳۹۲: ۲۱). کنستانتیوس برای مقابله با ساسانیان، اورسینوس را به شرق فرستاد تا فرماندهی ارتش رومیان در بین‌النهرین و اسروینه باشد؛ در حالی که سایانوس، فرماندهی ارتش میدانی در شرق را

آغاز کرد؛ اما این بار برای دوری جستن از تکرار تجربه شکست‌های پیشین و با تغییر استراتژی و انتخاب تاکتیک جدید، سعی کرد به جای تمرکز بر محاصره و تصرف نصیبین که البته برای فتح سوریه اهمیت زیادی داشت، مستقیم و بدون معطلی به طرف سوریه حرکت کند (Edwell, 2013: 6) و با احتیاط و با برنامه هجومی - دفاعی مناسب با رومیان روبه‌رو شود (میقانی، ۱۳۹۳: ۱۴۰) و توانایی خود را در محاصره نصیبین گرفتار نکند (Zonaras, 2009: xiii, 9, 48, P 168). او به جای محاصره بی‌حاصل شهر نصیبین، تصمیم گرفت از کنار شهر عبور کند و خودش را به طور ناگهانی به سوریه برساند (Lee, 2017: 4; Hunt, 2008: 41).

۲-۳. نقش آنتونیوس در انتخاب استراتژی

جدید توسط شاهپور دوم

آنتونیوس یک بازرگان ثروتمند سوری بود. او بعداً مأمور حسابداری فرماندهی بین‌النهرین شد و توانست به مقام سرپرست ارتقا یابد. (Paulsen, 2015: 2). او در زمستان سال ۳۵۸/۹م. به دلیل مشکلات حقوقی و مالی تصمیم گرفت به نزد ایرانیان بگریزد و پس از اطمینان و کسب اطلاعات دقیق از سازمان دفاعی، تعداد نیروها، ذخایر سلاح، برنامه‌های استراتژیکی و حرکت‌های آینده رومیان، به دربار ساسانیان پناهنده شد (Blockley, 1992: 19). شاهپور او را به‌علت اطلاعات کاملی که درباره روم شرقی داشت، با آغوش باز پذیرفت (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۰۵-۲۰۴).

آنتونیوس به شاهپور گفت که علی‌رغم آنکه ارتش روم گرفتار درگیرهای داخلی خونینی بود، ساسانیان هرگز نتوانستند از فرصت استفاده کنند و خود را به فرات برسانند؛ در حالی که آنان با توجه به شرایط امپراتوری روم باید بر تمامی آسیا دست یابند (Ammianus Marcellinus, 18.5.7, P 433).

* دمتریوس که از شخصیت‌های برجسته سوریه بود، از شاهپور اول در تصرف انطاکیه ۲۵۲م. پشتیبانی کرد (داونی، ۲۰۰۷: ۱۰۱).

برعهده گرفت (Harrel, 2016: 142-145).

در آغاز و براساس عملیات جنگی ساسانیان در دهه ۳۴۰م. وقتی خبر استعداد ارتش ایرانی در ۳۵۹م. به رومیان رسید، نخستین فکری که به ذهن رومیان آمد، محاصره مجدد نصیبین بود که هدف اصلی جنگ‌های پیشین ساسانیان بود. بنابراین اورسینوس نیروهایش را در شهر آمد متمرکز کرد تا برای ارتش ساسانی ایجاد مزاحمت کند و در صورت لزوم نیروی امدادی را به محصورین برساند؛ اما در آمد، پیامی به دست اورسینوس رسید که نشان می‌داد هدف اصلی شاهپور، تحقق پیشروی سریع در سوریه است. این حادثه، نقطه عطفی در انتظارات رومیان داشت و اولین نشانه‌ای که به رومیان نشان داد این بود که شاپور برنامه‌های جنگی خود را تغییر داده است (Ammianus Marcellinus, 18.6.6-23, 17, Pp 449-435, 445).

گفتنی است که در اواخر سال ۳۵۸م. و اوایل ۳۵۹م.، کنستانتیوس دوم امپراتور بیزانس، هیئت سفارتی به ریاست لوکیلانیوس و پروکوپئوس نزد شاهپور دوم فرستاد. هدف امپراتور از ارسال این سفرا، انجام مذاکرات جدی نبود، بلکه به تأخیرانداختن حملات ساسانیان بود تا رومی‌ها مهلت یابند سیستم دفاعی خود را تقویت کنند. امروزه تردیدی وجود ندارد که رومیان در فرستادن این سفرا سوءنیت داشتند. در واقع سفرا، وظیفه‌ای جز به تأخیرانداختن حملات ساسانیان، اطلاع از نقشه‌های جنگی آنان و گردآوری اطلاعات مهم نداشتند. ظاهراً ساسانیان از اهداف رومی‌ها آگاه شدند و ضمن شروع حملات جنگی علیه رومی‌ها در سال ۳۵۹م.، سفرای آنها را بازداشت کردند؛ در حالی که رومی‌ها فکر می‌کردند که مذاکرات با دولت ساسانی همچنان در جریان است (Ammianus Marcellinus, 17.5.15, P 21; Blockley, 1992: 440). در این میان،

پروکوپئوس یکی از سفرای رومی موفق شد مخفیانه نامه‌ای را در غلاف شمشیر برای رومیان ارسال کند (Richard, and Bonner, 2017: 100).

۴.۱. متن نامه

آن‌گونه که آمیانوس مارسیلینوس نقل کرده است، پروکوپئوس در این نامه به صورت رمزگونه پیامی را به این شرح برای رومی‌ها می‌فرستد: «در حالی که پادشاه پیر از هلسپونت راضی نیست، او از پل‌های گرانیکوس و رهیندکوس عبور خواهد کرد و با بسیاری از اقوام و مردمان، آسیا را فتح خواهد کرد. او به طور طبیعی عصبانی است و بسیار بی‌رحم است، او توسط وارث تراژان امپراتور قبلی روم، تحریک و تحریض می‌شود، مگر زمانی که یونان مراقب و آگاه باشد» (Ammianus Marcellinus, 18.6.18, P 445).

این نامه حاوی اطلاعاتی به زبان لاتین است که با اشاره به دو یادداشت مهم خلاصه می‌شود. در مرحله اول، پروکوپئوس شروع به نوشتن می‌کند، گویی که او قصد دارد رومیان را درباره تصمیم‌های مترادات ششم، امپراتور پونتوس در آستانه جنگ سوم با روم ۷۴-۶۴ق.م آگاه کند. پروکوپئوس از شاهپور دوم با عنوان پادشاه پیر یاد می‌کند و هشدار می‌دهد که شاه از پل‌های گرانیکوس و رهیندکوس عبور می‌کند که مترادات قبل از رسیدن به هلسپونت باید از آنها عبور می‌کرد و هشدار می‌دهد که در هلسپونت متوقف نخواهد شد؛ اما مصمم است تا با بسیاری از مردم، آسیا را تحت انقیاد بیاورد. پروکوپئوس ادامه می‌دهد که شاه عصبانی است و جانشین تراژان او را تحریک می‌کند (Blockley, 1986: 63-64).

۴-۲. تفسیر نامه

آمیانیوس اظهار داشت که درک رمز برای او و مشاوران اورسینوس بسیار دشوار بود؛ زیرا پیام با رمز نوشته شده بود. هنگام رمزگشایی، رمزهای دیگر نیز

همچنین ارتباطات جرئی دریافت شده از رم‌ها توسط آمیانوس این‌گونه تکمیل شد؛ رودخانه گرانیکوس و رهیندکوس به رودخانه دجله و زاب بزرگ تعبیر شد. او پس از عبور از این دو رودخانه در هلسپونت/ بین‌النهرین خواهد بود، اما در اینجا توقف نخواهد کرد؛ زیرا قصد دارد به آسیا حمله کند؛ یعنی ایالات شرق را فتح خواهد کرد که سوریه مهم‌ترین آنهاست (Ammianus Marcellinus, 18.6.19, Pp 446-445).

به‌طور خلاصه، این نامه به محض اثبات ارتباط آن با جنگ سوم میترادات، اطلاعات دقیق و حیاتی را ارائه می‌دهد که ایرانیان می‌خواستند آن را پنهان کنند. بنابراین فرماندهان رومی، اورسینوس و سابیانوس به این نتیجه رسیدند که ساسانیان قصد حمله به بین‌النهرین را ندارند و اینکه شاهپور قصد دارد پس از عبور فرات مستقیماً در عمق خاک سوریه نفوذ و پیشروی کند (Ammianus Marcellinus, 18.6.19-17, Pp 447; and see: Dillemann, 1961: 104).

پس از تفسیر پیام، معلوم شد شاهپور از زاب بزرگ و دجله عبور می‌کند. برای تأیید این اطلاعات، آمیانوس از طرف اورسینوس مأمور می‌شود که به مرزهای ایران و روم برود و مسیر لشکرکشی و اقدامات شاهپور را زیر نظر بگیرد. آمیانوس به کردوئن رفت و در آنجا متوجه شد که ارتش بزرگی به فرماندگی شاهپور از رودخانه زاب در نزدیکی نینوا در حال عبور است. همراه این ارتش، پادشاهان خیونیان و آلبانی‌ها نیز بودند و در فاصله سه‌روز وارد خاک روم می‌شوند (Ammianus Marcellinus, 18.6.23-20, 7.2-1 Pp 451-447). با اطلاعاتی که آمیانوس توانست به دست آورد، همان‌طور که در نامه نیز آمده است، تأیید کرد که حمله گسترده‌ای از سوی ساسانیان در حال انجام است (کریستن‌سن، ۱۳۶۸: ۳۳۶-۳۳۵; Blockley, 1988: 253-256).

به دست آمد که نشان‌دهنده شباهت تاریخی بود و به‌طور کامل روشن و آشکار نبود. این رمز اگرچه اخیراً رمزگشایی شد، اما کاملاً تفسیر شد (Ammianus Marcellinus, 18.6.19, Pp 446-445).

بلوکلی نشان می‌دهد پیام از سه جهت درخور توجه است: اول نحوه پنهان‌شدن اطلاعات، رمزنگاری و رمزگشایی؛ دوم، این نامه به‌طور مطلوب از فرهنگ تاریخی فرستندگان آن و همچنین برخی فرضیات خوش‌بینانه درباره کسانی گواهی می‌دهد که نامه برای آنها ارسال شده است و سوم، آگاهی از جغرافیای شمال غربی آسیای صغیر برای نوشتن پیام کافی بود (Blockley, 1986: 65).

نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که این نامه به لشکرکشی بزرگ خشایارشا به یونان در سال ۴۸۰ ق.م یا اسکندر بزرگ اشاره نکرده است (Matthews, 1989: 43)؛ اما به لشکرکشی میترادات ششم به ایالت‌های رومی در آسیا در آغاز جنگ سوم میترادات در سال ۷۳/۷۴ ق.م اشاره می‌کند (Appian, *The Mithr*, 14, 71-69). حتی بدون فهم تمام اشارات تاریخی موجود در این نامه، فهم معنای نسبت پادشاه خشمگین به شاهپور آسان است که توسط آنتونیوس فراری به ایران به جنگ تحریک شده و اطلاعات جنگی در اختیار او قرار داده شده بود و پروکوپئوس در این نامه او را جانشین ترازان معرفی کرده بود (Ammianus Marcellinus, 18.5.1-2, 7-8, 6.3-4, 7.10, 8.5, 10.1, 10.4, 19.8.1, 27.12.6, Pp 429-437-435, 455, 459, 469, 509, 81). همچنین هم‌پیمانان و طرفداران میترادات، ممکن است به قبایل بدوی شرق ایران مانند خیون‌ها اشاره کرده باشند که قبلاً توسط شاهپور دوم شکست خورده بودند و جزء طرفداران و هم‌پیمانان او درآمده بودند (Appian, *The Mithr*, 14, 69; Ammianus Marcellinus, 18.6.22, 19.1.7, Pp 449, 457).

۵. اقدامات و تاکتیک‌های نظامی رومی‌ها در برابر

شاهپور

رومیان از طریق نامه پروکوپیوس و مشاهدات آمیانوس به این نتیجه رسیدند که شاهپور قصد دارد از بین‌النهرین عبور کند و از فرات و اوسرینه به سوریه برود (Lightfoot, 1982: 143). از طرفی از آنجایی که کنستانتیوس دوم در دهه ۳۵۰م. گرفتار جنگ‌هایی خانگی شد و قسمت اعظم نیروهای او در غرب درگیر بودند و تنها یک‌سوم نیروهایش را در اختیار داشت (Edwell, 2013: 5; Potter, 2015: 38)، او نمی‌توانست در برابر سپاه شاهپور در سال ۳۵۹م. به اقدام جدی دست بزند و ناگزیر بود موضع دفاعی بگیرد (Butcher, 2003: 62). بنابراین رومی‌ها استراتژی دفاعی خود را در برابر حمله ساسانیان به سوریه، براساس تفسیر اطلاعات پروکوپیوس و دیگر آگاهی‌ها به شرح زیر برنامه‌ریزی کردند.

۱-۵. استفاده از سیاست زمین سوخته

شاهپور دوم پس از اینکه وارد بین‌النهرین شمالی شد، به سمت غرب پیش راند (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۶۲). این امر، پیام پروکوپیوس را برای اورسینوس تأیید کرد و نتیجه گرفت که ایرانیان در حران یا نزدیک ادسا حرکت می‌کنند تا در اوسرینه پیشروی کنند و در زئوگما یا کاپیرسانا یا ساموزاتا از فرات عبور کنند و وارد سوریه شوند (Ammianus Marcellinus, 18.7.3-6, Pp 453-451; Richard, and Bonner, 2017: 100).

به گفته سماک محمدی «امپراتور روم که از استعداد ارتش ایران اطلاع حاصل کرده بود، می‌دانست که نبرد از روبه‌رو برای رومیان حاصلی جز شکست در بر نخواهد داشت؛ بنابراین تصمیم گرفت به روش (امحای منابع) یعنی از بین بردن مزارع و چاه‌های آب و هرچیزی روی آورد که برای رفع

نیازهای ایرانیان لازم بود. پس دستور داد کلیه کشتزارها و علفزارها را بسوزانند» (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۶۲). اورسینوس زمان خوبی برای این کار در اختیار داشت؛ زیرا ایرانیان پس از عبور از دجله، باید ۴۰۰ کیلومتر راه طی می‌کردند (Blockley, 1988: 256). با سرعت ثابت ۱۵ مایل در روز، ارتش اصلی ساسانی، ۱۰ روز برای رسیدن به رودخانه‌ی خابور نیاز داشت (Harrel, 2016: 144). اورسینوس از شهرآمد گردانی سواره‌نظام به همراه اوامر و دستورالعمل‌هایی به حاکمان نظامی و غیرنظامی در بین‌النهرین و فراتیه، کاسیانوس و جوفیروس فرستاد و از آنها خواست تا روستاییان را به همراه خانواده‌هایشان به مکان‌های امن منتقل کنند و از سیاست زمین سوخته در شرق فرات پیروی کنند (Ammianus Marcellinus, 18.7.3, P 451).

رومیان در مقابل پیشروی شاهپور در دشت‌های بین‌النهرین و اوسرینه، همه کشتزارها و علفزارها را سوزاندند (فرای، ۱۳۹۴: ۲۳۷؛ Isaac, 2008: 460). بنابراین سرزمین‌های سوخته، تمام مناطق بین دجله و فرات را در بر گرفت (Seager, 2009: 256). آتش‌سوزی به اندازه کافی بزرگ و تأثیرگذار بود که آمیانوس متوجه شد، این کار سبب مرگ بسیاری از شیرهایی شده است که در منطقه پرتله می‌زدند. آمیانوس نقل می‌کند که غلات و دانه‌ها به حدی خشک بودند که به راحتی مشتعل شدند. این گفته نشان می‌دهد شاهپور دوم در اواخر خرداد یا اوایل تیر حمله کرده است (Ammianus Marcellinus, 18.7.4, P 451).

به گفته ویتبی تدارکات به‌ویژه تجهیزات و ملزومات، ستون حیاتی هرگونه فعالیت نظامی است (Whitby, 2008: 324). هر دو دولت ایران و روم، مواد غذایی و تدارکات سپاه را از طریق محصولات برداشت‌شده یا انبارهای مواد غذایی مردم محلی تهیه

برابر پیشروی ارتش ایرانی در سال ۳۵۹م. به سمت شهرهای اصلی سوریه دنبال کردند، شرایط سختی را در مسیر ساسانیان ایجاد کرد، تا جایی که ارتش ساسانی پس از عبور از کنار نصیبین، ناچار شد که از رفتن به مسیر دره‌های سوخته تور عابدین اجتناب کند و به دنبال پیدا کردن تپه‌ها و دره‌های حاصلخیز باشد. به عبارت دیگر، سیاست زمین سوخته، مانع عبور سریع ساسانیان از فرات به سوریه از طریق اوسرینه شد و آنها را ناچار کرد به سمت شمال حرکت کنند، جایی که سیاست زمین سوخته در آن اجرا نشده بود (Ammianus Marcellinus, 18.7.8, Pp 455-453).

۲-۵. حفاظت از گذرگاه‌های فرات

تاکتیک‌های روم تنها محدود به سیاست زمین سوخته نبود، آنها دست به اقدامات متعدد دیگر نیز زدند؛ زیرا شاهپور هنوز از پیشروی خود در سوریه چشم‌پوشی نکرده بود؛ بنابراین رومیان تصمیم گرفتند از رود فرات دفاع کنند تا از نفوذ عمیق‌تر ساسانیان جلوگیری کنند (Whitby, 2008: 320). در ابتدا رومی‌ها با پیش‌بینی حمله ساسانیان به زوگما - مسیر فرات به طرف شهرهای اصلی سوریه - یا کاپرسانیا، کرها و دیگر قلعه‌های غیرمستحکم و دفاع نشدنی را تخلیه کردند (Isaac, 2008: 460; Matthews, 1989: 44). سپس برای جلوگیری از عبور ایرانیان از رودخانه فرات، گذرگاه‌های رودخانه فرات را تقویت کردند (Seager, 2009: 256). به دستور اورسینوس، کاسیوس یگان‌های نظامی را برای تقویت ساحل غربی رودخانه فرستاد. سربازان با برج‌ها، منجیق و دیگر وسایل، توانستند ساحل رودخانه را تقویت کنند و ابزار دفاعی لازم را فراهم کنند. آنها همچنین برای محافظت از گذرگاه‌هایی که با منجیق تجهیز شده بود، نگهبانانی را در معابر و گذرگاه‌های فرات گماشتند (Ammianus Marcellinus, 18.7.6, P 453).

می‌کردند (Goldsworthy, 2008: 103). مناطق شمالی بین‌النهرین از نظر آب‌وهوا بسیار مناسب بودند (Matthews, 1989: 52-51; Banaji, 2001: 6) و بیشتر جغرافیدان‌های دوره اسلامی درباره اهمیت کشاورزی و محصولات و غلات فراوان این منطقه نیز سخن گفته‌اند (ابن حوقل، ۱۹۹۲: ۲۰۵-۱۹۰؛ ابن الفقیه الهمدانی، ۱۳۰۲: ۱۳۳-۱۳۲؛ ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۹۵)؛ از این رو، یک ارتش بزرگ می‌توانست با تأمین تدارکات خود در این سرزمین‌ها، بدون آنکه به مناطق حاشیه‌ای کشیده شود، به راه خود ادامه دهد (Stein, 1936: 72; Burns, 2017: 123). نوشته‌های آمیانوس نشان می‌دهد سوزاندن مکرر علفزارها در امتداد لبه جنوبی تور عبدین، بین رودخانه‌های دجله و فرات باعث شد سپاه شاهپور از منابع لازم محروم شود. در ادامه او می‌گوید که به دلیل گستردگی علفزارها، آتش‌سوزی و دود از نصیبین تا فرات دیده می‌شد (Ammianus Marcellinus, 18.7.5-4, P 451).

ارتش ساسانی، به توصیه آنتونیوس، قرار بود از کنار نصیبین عبور و مستقیماً به سمت فرات حرکت کند و پس از ۱۲ روز راهپیمایی، به باسی* برسد (Ammianus Marcellinus, 18.7.8-9, P 455). لیتفوت معتقد است که هدف اصلی ایرانیان در این زمان، عبور از فرات با حرکت سریع در اوسرینه بود (Lightfoot, 1982: 146)؛ اما با روبه‌رو شدن ساسانیان با زمین‌های سوخته، مجبور شدند تا در برنامه جنگی خود تجدیدنظر کنند (Whitby, 2008: 324). به دیگر سخن، کمبود غذا و آذوقه در پیشروی ایرانیان در سرزمین روم مؤثر بود (Hunt, 2008: 39). آمیانوس نقل می‌کند که سیاست زمین سوخته که رومی‌ها در

* باسی ۵۰ کیلومتر از غرب نصیبین و ۲۰۰ کیلومتر از پل زئوگما - آپامیه فاصله داشت (Farrokh, and Others, 2018: 104; Harrel, 2016: 144)

۳-۵. پل‌های فرات

پل‌ها، جاده‌ها و پادگان‌ها برای اطمینان از حرکت و اثربخشی تاکتیکی سواره‌نظام، که نیروی اصلی حملات را در عملیات تهاجمی و دفاعی تأمین می‌کردند، اهمیت زیادی داشتند. برای عبور از فرات، ساسانیان یا باید از پل‌های شناور استفاده می‌کردند و یا کنترل یکی از پل‌ها را در دست خود می‌گرفتند. موقعیت پل‌ها اثر مستقیمی بر تحرکات ارتش ایران و روم داشت. رومی‌ها برای جلوگیری از عبور ارتش ساسانی از رودخانه فرات برای رسیدن به شهرهای اصلی سوریه، برخی از پل‌های فرات را شکستند؛ زیرا پل‌ها، بدون شک عامل مهمی در جنگ‌های سال ۳۵۹م. در زمان شاهپور دوم بودند، به دلیل اینکه عبور از فرات از ماه نوامبر تا اواخر ماه مارس دشوار بود (Trombley, 2007: 327).

پس از عبور از کنار نصیبین، شاهپور دوم تلاش کرد تا به‌طور ناگهانی در سوریه پیشروی کند (Edwell, 2013: 6). هاریل معتقد است که در ابتدا هدف شاهپور، گرفتن پل زوگما-آپامیه برای نفوذ در سوریه بوده است (Harrel, 2016: 144). هنگامی که اورسینوس از این برنامه آگاه شد، به سوی ساموزاتا روی آورد تا از تخریب پل‌ها در ساموزاتا، زوگما و کاپرسانا اطمینان یابد و مانع عبور ارتش ساسانی از روی پل‌ها به سوی سوریه شود (Ammianus Marcellinus, 18.8.1, P 457).

آمینوس اشاره می‌کند که ایرانیان مصمم بودند تا از باسی که در مسیر موازی با فرات قرار داشت، برای عبور از زمین‌های سوخته و خشک به‌سمت کنستیه حرکت و سپس از فرات میانه عبور کنند، اما هنگامی که آنها از نگهبانان معتمد آگاه شدند که عبور از فرات به دلیل سیل ناممکن خواهد بود، شاهپور شورای جنگی تشکیل داد و در آن آنتونیوس،

شاهنشاه را متقاعد کرد که مسیر خود را تغییر دهد و به سمت شمال حرکت کند؛ یعنی در طول مسیر از شهر آمد و شمال ادسا به سمت شهرهای شمال سوریه در بالادست بارزالو و کلودیا حرکت کند؛ زیرا فرات در نزدیکی سرچشمه‌های خود کم‌عمق می‌شد. همچنین، در این مسیر می‌توانست منابع آذوقه و تدارکات سپاه ساسانی را به مدت طولانی فراهم کند (Ammianus Marcellinus, 18.7.11-9, P 455).

البته با وجود سیل، پل زوگما هنوز پابرجا بود و احتمال اینکه سپاه ساسانی بتواند از آن عبور کند وجود داشت، اما ظاهراً ارتش میدانی به رهبری سییانوس، جاده زوگما-آپامیه را نیز بسته بود، او حتی با یک ارتش نسبتاً کوچک میدانی، می‌توانست با سیاست زمین سوخته، مزاحمت در پیشروی شاهپور ایجاد کند؛ بنابراین شاهپور مجبور شد که مسیر خود را به طرف شمال تغییر دهد (عبدالکاظم جواد النوری، ۲۰۱۷: ۲۳۲-۲۳۱؛ Harrel, 2016: 145-144).

هنگامی که شاهپور از باسی از طریق کرهه و میرار به سمت شمال پیش می‌رفت، از فراریان به او خبر رسید که در آنجا انبار بزرگ غله وجود دارد؛ بنابراین او کنترل قلعه‌های بوسان و ریمان را در دست گرفت، با وجود تأخیر در تصرف این قلعه‌ها و کندی پیشرفت ارتش او، روشن است که شاهپور هنوز قصد داشت از توصیه‌های آنتونیوس پیروی کند و به غرب شهر آمد فشار آورد (Ammianus Marcellinus, 18.10.4-1, 19.1.3, Pp 469-467, 471).

البته چرخش مسیر شاهپور دوم به سمت شمال، به معنای تغییر هدف اصلی او در حمله به سوریه از طریق فرات میانه نبود، بلکه به نظر می‌رسد هدف او، تاکتیک جنگی برای جمع‌آوری تجهیزات بوده باشد. شاهپور برنامه‌ای برای فتح قلعه آمد نداشت؛ زیرا او همچنان قصد داشت تا به توصیه‌های

بود. حال اگر رومی‌ها قادر به جلوگیری از پیشروی‌های دشمن نبودند، اما در فاصله میان دجله و فرات می‌توانستند با به‌کارگیری نفوذی‌هایی، پیشروی از مسیر شمالی را به تأخیر بیندازند (Burns, 2017: 138) و مانع دسترسی سهل سپاه ساسانی به پرجمعیت‌ترین منطقه رومی در مرز با شهرهای مهم شمالی شوند (Svvanne, 2004: 28).

استحکامات بالای دجله و منطقه خابور سبب شد تا شاهپور جاده‌ای را که از سینگارا می‌گذشت، در لشکرکشی خود استفاده کند (Harrel, 2016: 62; Burns, 2017: 138). اما نصیبین که مهم‌ترین استحکامات نظامی در این جاده محسوب می‌شد به منزله دژی در برابر حملات ساسانیان بود (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۴۴). رومیان به اهمیت این شهر پی بردند و تلاش کردند تا این شهر را حفظ کنند و تا زمانی که این شهر در دست رومیان بود، شاهپور نتوانست از موفقیت‌های خود در جاهای دیگر مانند شهرآمد به‌طور کامل استفاده کند (DEMİR and KEÇİŞ, 2017: 18).

قلعه‌ها و استحکامات، مزایای متعددی به همراه داشت؛ زیرا عنصر مهمی در ایجاد برتری تاکتیکی در مرزها محسوب می‌شدند (Whitby, 2008: 319). در این زمان، برای ارتش ایران دشوار بود که به‌سرعت حرکت کند یا بدون نظارت در منطقه‌ای پیشروی کند که توسط شهرهای مستحکم کنترل می‌شد؛ در حالی که روم دژی مستحکم در شمال تیسفون یعنی نصیبین داشت (Potter, 2004: 293). همچنین از استحکامات برای حفاظت از پل‌ها یا گذرگاه‌های رودخانه‌ها استفاده می‌شد (Goldsworthy, 2008: 100).

۵-۵. سیاست دوری از مواجهه مستقیم

رومی‌ها در قرن چهارم میلادی اغلب ناچار بودند تا در داخل مرزهای خود دفاع کنند (Whitby, 2008:

Antoniouس عمل کند و به مناطق غرب آمد فشار وارد کند؛ اما وقتی که بیش از پانزده هزار نفر از سپاه رومی‌ها نزدیک شهر آمد و در غیاب قسمت اعظم ارتش ایرانی مغلوب فرماندهان ساسانی شدند، شاهپور به این نتیجه رسید که می‌تواند به سرعت این قلعه را تصرف کند، سپس فتوحاتش را دنبال کند (Ammianus Marcellinus, 18.10.1, 19.1.1, 1.3,) (Pp 469, 471). در هر حال تخریب پل‌ها بر فرات توسط رومی‌ها باعث شد که شاهپور مجبور شود به طرف شمال فرات که کم‌عمق‌تر بود برود و در آنجا نیز به‌جای عبور از غرب شهر آمد، مدت زیادی را در محاصره این شهر سپری کند که به تأخیر در رسیدن به هدف اولیه منجر شد.

۴-۵. قلعه‌ها و مانورهای نظامی

رومیان از قرن چهارم به بعد، به فکر ایجاد شهرهای مستحکم مرزی افتادند تا هم در پیشگیری از حملات ایرانیان مؤثر باشد و هم مانع پیشرفت سریع سپاهیان ایران در سوریه شود (حسین طلائی، ۱۳۹۶: ۹۲؛ فرای، ۱۳۹۴: ۲۳۷). دیوکلسسین و کنستانتین کبیر، سامانه دفاعی شرق را تقویت کردند و کنستانتیوس دوم، آن را تحکیم کرد و توسعه داد. او در راستای تقویت سامانه دفاعی روم در مرزهای ایران، شهر کوچک آمد را از نو ساخته بود و دو قلعه دیگر در بین‌النهرین شرقی، کیفا و بزابد را برپا کرد (Whittow, 2010: 89; S Parker, 2006: 545-544; Lightfoot, 1986: 519).

سامانه دفاعی و استراتژیکی روم، به واسطه نصیبین، همراه با آمد و بزابد در غرب دجله و سنگارا در دامنه جنوبی کوه سنگارا شکل گرفت (Maksymiuk, 2018: 90). این استحکامات سد استواری در برابر پیشروی و نفوذ ساسانیان به فرات و سوریه به شمار می‌آمدند. بارنس نشان می‌دهد زنجیره استحکامات بین آمد و ادسا، کلید کنترل مسیر شمالی

داشت که از رویارویی مستقیم با سپاه ایران اجتناب کند (Lightfoot, 1982: 144). تنها درگیری که رخ داد، زمانی بود که ۲۰۰۰۰ سرباز ایرانی تحت فرماندهی تهم شاپور و نودارس از راه شمال به سوی آمد در حرکت بودند و با اورسینوس مصاف دادند. پس از آن درگیری‌های پراکنده بین دو طرف، قسمت اعظم ارتش روم نابود شد و مانورهای نظامی رومیان با ناکامی به پایان رسید (Ammianus Marcellinus, 18.8.14-4, Pp 463-459).

ادسا مرکز استراتژیکی مهم و پایگاه نظامی اصلی ارتش میدانی شرقی روم در این منطقه بود که تهدید بزرگی برای ارتش ساسانی در منطقه به شمار می‌آمد. به سبب این موقعیت ممتاز، سابیانوس تصمیم گرفت در ادسا در طول تهاجمات ساسانیان در سال ۳۵۹م. بماند، برای اینکه از عبور ارتش ساسانی به فرماندهی شاهپور از فرات جلوگیری و از شهر زوگما محافظت کند (باقر، ۲۰۱۱: ۲/۵۱۹: 78; Lightfoot, 1982).

به گفته آمیانوس، با وجود درخواست اورسینوس از سابیانوس برای اعزام قوای امدادی به آمد، او از این کار امتناع ورزید و سیاست مواجهه نکردن با نیروهای ساسانی را در پیش گرفت (Ammianus Marcellinus, 19.3-1, P 485). در واقع تعداد سربازان سابیانوس کمتر از ۲۰۰۰۰ هزار نفر بود؛ بنابراین او شرایط را نامساعد می‌دید و می‌دانست اگر با ارتش ایرانی درگیر شود، به علت قلت عددی مغلوب خواهد شد و آنگاه هیچ مانعی در برابر عبور شاهپور از فرات در غیاب قسم اعظم ارتش روم وجود نخواهد داشت (Matthews, 1989: 46; Harrel, 2016: 147).

به هر حال آمیانوس می‌گوید که شاهپور با ارتش بسیار بزرگ از دجله عبور کرد و آن را با نیروهای خشایارشا مقایسه می‌کند. بنابراین اگر سابیانوس بنا به

320. کنستانتیوس دوم تا حد امکان با تکیه بر استحکامات، از رویارویی مستقیم با ساسانیان جلوگیری کرد (Harries, 2012: 215; Blockley, 1992: 16). این سیاست به او امکان می‌داد تا ارتش خود را به‌طور کامل حفظ کند (Butcher, 2003: 62). در همین راستا ابزار رومی‌ها در جنگ ۳۵۹م. سیاست مقابله‌نکردن، حفظ ارتش میدانی شرقی خود، ایجاد مزاحمت برای ارتش ساسانی از طریق حملات و قطع خطوط اتصالی و امدادی بود (Harries, 2012: 216; Harrel, 2016: 143-144). بنابراین رومی‌ها در این جنگ از رویارویی نظامی در یک میدان گسترده خودداری کردند که لازمه آن دانش محلی، خطوط ارتباطی داخلی، پشتیبانی تدارکات و دسترسی به پایگاه‌های امنیتی در قلعه‌ها و استحکامات نظامی در جاده‌های نظامی و دفاعی است (Maksymiuk, 2018: 90; Whitby, 2008: 320).

اورسینوس رهبری خط مقدم را در قلعه‌ها به دست آورد، که سال‌ها مسئولیت آنها را به عهده داشت، کاسیوس نیز در نصیبین متمرکز شد. سابیانوس در ادسا باقی ماند که محل خوبی برای رویارویی با حرکت به سوی فرات بود (Blockley, 1988: 255). اورسینوس با نیروی کوچکی در آمد متمرکز شد تا از این شهر به‌عنوان پایگاهی برای عملیات‌های خود در برابر خطوط امدادی و ارتباطی شاهپور استفاده کند. بنابراین اورسینوس در این فکر بود تا از آمد به‌عنوان پایگاهی برای عملیات‌های خود در برابر خطوط شاهپور استفاده کند (Harrel, 2016: 144). البته کاسیوس در نصیبین، حفظ شهر را در اولویت کارهای خود قرار داده بود؛ بنابراین در هنگام عبور ارتش شاهنشاهی از کنار آن شهر، برای ایرانیان تولید مزاحمت نکردند (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۶۱). به نظر لیتفوت، کاسیوس مانند سابیانوس اوامری

۵-۶. تخلیه انرژی ساسانیان

هدف دیگر قلعه‌ها، تخلیه انرژی ایرانیان بود. در طول دو دهه جنگ، کنستانتیوس برای فشار بر ساسانیان به شهرهای مهم و مستحکم به‌ویژه سنگارا، نصیبین و آمد تکیه کرد. سیاستی که تا حد زیادی نیز موفقیت‌آمیز بود. بنابراین او به‌جای رفتن به نبرد مستقیم با شاهپور، برای تضعیف قدرت و کاهش سرعت فتوحات آنها، به قلعه‌های خود تکیه کرد تا نتوانند حملات سنگینی به امپراتوری انجام دهند (Whitby, 2008: 310, 320; Potter, 2004: 467).

اگر هدف شاهنشاه ساسانی در زمان کنستانتین دوم، امپراتور روم، فتح سوریه باشد، بنابراین ساسانیان درگیر محاصره طولانی مدت شهرهای قلعه‌دار در نزدیکی مرزها شدند. محاصره طولانی مدت این قلعه‌ها، به تخلیه انرژی ایرانیان و انحراف آنها از هدف اصلی، یعنی فتح سوریه منجر شد که این مسئله به سود رومیان بود (Lee, 1993: 23). این سیاست در دهه ۳۴۰ م، پس از آنکه شاهپور سه بار به محاصره نصیبین اقدام کرد و موفق نشد، به خوبی ثابت شد (ن.ک: سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۵۵-۴۲؛ جلیلیان، ۱۳۹۷: ۱۹۴). از این رو، کنستانتیوس، نیروهای خود را حفظ کرد و شاهنشاه ساسانی را مجبور کرد تا توانایی خود را در محاصره طولانی مدت و درگیری‌های بی نتیجه و پرهزینه در سرزمین روم هدر دهد (Lightfoot, 1982: 39-40).

۵-۶-۲. محاصره آمد

شاهپور پس از درگیری با نیروهای اورسینوس، این فرصت را غنیمت شمرد و آمد را محاصره کرد، به این امید که به سرعت شهر را فتح کند و سپس به پیشروی خود در سوریه ادامه دهد (Lee, 2017: 5; Matthews, 1989: 58). بنابراین حرکت او به سمت آمد، به معنای دست کشیدن از هدف استراتژیکی خود نبود، اما به نظر

پیشنهاد اورسینوس قوای امدادی را به آمد می‌فرستاد، هیچ مزاحمتی برای ارتش بزرگ ساسانی در اطراف شهر ایجاد نمی‌شد (Ammianus Marcellinus, 18.6.23-22, P 449-447). از سوی دیگر، با وجود همه اظهارات خصمانه آمیانوس درباره سابیائوس، روشن است که هدف او از حفظ نیروهای خود، ممانعت از حرکت مستقیم ایرانیان به سوریه بود (Seager, 2009: 257). در واقع سیلاب فرات تنها دلیل ناکامی ارتش شاهپور دوم در عبور از فرات میانه به سوریه نبود، ساسانیان نیز آگاه بودند که سابیائوس، با بیشتر ارتش میدانی خود برای حفاظت از گذرگاه فرات و زوگما در ادسا مستقر شده است. اگرچه ارتش روم نسبتاً کوچک بود، با این حال اگر شاهپور به سمت غرب حرکت می‌کرد، ارتش روم می‌توانست به زوگما برود و از تصرف ناگهانی پل توسط شاهپور جلوگیری کند (Harrel, 2016: 144).

البته سابیائوس می‌بایست در طول حمله ساسانیان آماده می‌بود که شاهپور ناگهان به سمت گذرگاه‌های فرات حرکت نکند تا به سوریه برسد. بنابراین او در ادسا ماند؛ زیرا از تغییر مسیر ایرانیان به سوی جنوب غربی بین‌النهرین هراس داشت. در این میان باید نیروهای تهم‌شاپور و نودارس را نیز به این خطرات اضافه کرد. به نظر می‌رسد که آنان پس از رسیدن به آمد، از سوی شمال و غرب به سمت فرات فشار می‌آوردند (Blockley, 1988: 255, 258; Lightfoot, 1982: 148). در هر حال، علاوه بر سیل و سیاست زمین سوخته، شکست ایرانیان در عبور از فرات از اوسرینه به سوریه ناشی از دو عامل دیگر نیز است؛ سیاست مواجهه‌نکردن و وجود سبیائوس در ادسا و دیگری استحکامات قوی که در پشت خطوط ارتباطی قرار داشتند و به خطوط تدارکاتی آسیب می‌رسانند.

داشت دست نیابد (Whitby, 2002: 37). فرای و دریایی می‌گویند، ساسانیان پس از تحمل دشواری‌های فراوان شهر را به تصرف در آوردند (فرای، ۱۳۹۴: ۲۳۷؛ دریایی، ۱۳۹۲: ۲۱). سماک محمدی و کریستن سن نیز اشاره می‌کنند که در طول این مدت طرفین متحمل تلفات سنگین شدند و تعداد زیادی از سربازان طرفین جان خویش را از دست دادند (سماک محمدی، ۱۳۹۲: ۶۳؛ کریستن سن، ۱۳۶۸: ۳۴۵-۳۴۰). آمیانوس نشان می‌دهد در محاصره آمد، تقریباً ۳۰،۰۰۰ سرباز ایرانی کشته شدند (Ammianus Marcellinus, 19.9.9, Pp 521-519). صرف نظر از واقعیت این تعداد، ساسانیان از طولانی شدن محاصره و تلفاتی که متحمل شده‌اند، روحیه خود را از دست دادند و ضعیف شدند (Lee, 2017: 6; Whitby, 2002: 37).

همچنین آمد، شهر بسیار مستحکمی بود (حسین طلائی، ۱۳۹۶: ۹۵، ۹۲) و بنابر جغرافیدان‌های دوره اسلامی، این شهر در نقطه ای کوهستانی و بر بالای کوه بلندی واقع شده بود (ابن الفقیه الهمدانی، ۱۳۰۲: ۱۳۴؛ الحموی، ۱۹۷۷: ۱/۵۶؛ المقدسی، ۱۹۹۱: ۱۴۰)، به همین دلیل کار فتح آن را با دشواری‌های متعدد روبه‌رو کرد (باقر، ۲۰۱۱: ۵۱۹) و محاصره شهر به فصل زمستان (ماه اکتبر) به درازا کشید، به طوری که شاهپور دیگر نمی‌توانست در زمستان به فکر ادامه جنگ باشد. از این رو، اقدامات نظامیان رومی در شهر آمد، برنامه تابستانه حمله ساسانیان ۳۵۹م. را به‌طور جدی به تأخیر انداخت (Potter, 2013: 147; Dillemann, 1961: 113). گفته می‌شود چون موسم پایان لشکرکشی فرا رسیده بود، شاهپور نخواست پیش از توان نیروهایش به آنها کاری را تحمیل کند؛ به همین دلیل چون دید کار تصرف قلعه به دراز کشیده می‌شود، هدف خود را رها کرد و به ایران

می‌رسد که طولانی شدن محاصره این شهر، او را در دستیابی به دیگر اهدافش ناکام گذاشت (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۳۳۹-۳۳۸; Seager, 2009: 257).

شاهنشاه پس از چندین بار محاصره ناموفق در نصیبین در دهه ۳۴۰م.، در ابتدا قصد نداشت با محاصره، خود و سپاهیان را به خطر اندازد؛ به‌ویژه اینکه پادگان رومی، یک هنگ اضافی برای دفاع از آن نیز فراهم کرده بود (Hunt, 2008: 40-39). بنابراین شاهپور در ابتدا امید داشت که با نزدیک شدن به دروازه‌های شهر، سکنة شهر را با القای رعب و هراس به اطاعت در بیاورد، ولی از آن نتیجه‌ای نگرفت. روز بعد، شاهپور شاه هون‌ها را برای ابلاغ تسلیم شهر روانه حصارهای شهر آمد کرد، این اقدام نیز بی‌ثمر و منتهی به مرگ پسر پادشاه هون‌ها شد. شاهپور پس از آن به شدت به محاصره شهر ادامه داد، ولی رومیان که حدود هفت لژیون بودند با تکیه به موقعیت ممتاز شهر و قلعه‌ها و حصار مستحکم آن، بیش از هفتاد و سه روز در برابر قوای شاپور ایستادگی کردند. در نهایت ایرانیان، پس از اینکه تحمل تلفات سنگین، پیروز شدند و شهر را مورد غارت و کشتار خود قرار دادند (Ammianus Marcellinus, 19.8-1, Pp 515-471).

هدف اصلی شاهپور، دستیابی به سوریه بود نه فتح شهر آمد، او در ابتدا نمی‌خواست زمان خود را با محاصره شهر آمد تلف کند، اما التزام و تعهد او به محاصره شهر، تلفات سنگین برای او در پی داشت. شاید خشم آشکار شاهپور با شهر و مدافعان آن پس از سقوط، قابل درک باشد (Demir and Kecis, 2017: 18; Matthews, 1989: 58).

به گفته ویتبی، دو عامل اتلاف وقت و تلفات انسانی کافی بود تا حمله ساسانیان به سوریه در سال ۳۵۹م. ناموفق شود و به آنچه که شاهپور مدنظر

بازگشت (Ammianus Marcellinus, 19.9.2-1, P 515). بنابراین مقاومت طولانی مدت این شهر، شاهپور را ناچار کرد که از نفوذ به عمق سرزمین رومی صرف نظر کند و دست از عملیات جنگی بکشد و به ارتش خود تا فرارسیدن بهار استراحت دهد (Lee, 2017: 6; Whitby, 2002: 37). در مقابل، رومیان به هدف خود مبنی بر توقف حمله ایرانیان با حداقل تلفات دست یافتند (Hunt, 2008: 43; Seager, 2009: 257). در نتیجه همان طور که لیبانوس اشاره می‌کند، به طور قطع انطاکیه در سال ۳۵۹م. هدف ایرانیان بود؛ اما شاهپور دانست که این شهر برای آنان یک هدف دست نیافتنی بوده است (Libanius, 1903: OR, xii.74, Pp 36-35).

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش نامه سری پروکوپوس در انتخاب استراتژی و تاکتیک جنگی رومیان در مقابل شاهپور و دلایل ناکامی حمله شاهپور دوم به سوریه در سال ۳۵۹م. است. یافته‌هایی که از پژوهش حاضر به دست آمد، نشان می‌دهد شاهپور پس از محاصره بی‌حاصل نصیبین در دهه ۳۳۰ و ۳۴۰م. تصمیم گرفت بنا به پیشنهاد آنتونیوس، از محاصره قلعه‌های بین‌النهرین اجتناب کند و در سوریه بی‌دفاع پیشروی و آن را تحت انقیاد آورد. در ابتدا برای رومیان روشن نبود که در ذهن شاهپور چه می‌گذرد و معتقد بودند که شاهپور نصیبین را محاصره خواهد کرد؛ اما پروکوپوس یکی از اعضای سفارت روم که در سال‌های ۳۵۹م. به ایران فرستاده شد، پیام رمزگذاری شده‌ای را در غلاف شمشیری پنهان و به روم ارسال کرد، رومیان با تفسیر پیام، متوجه شدند که شاهپور با کمک آنتونیوس قصد

حمله به سوریه را دارد.

رومیان می‌دانستند که در غیاب قسم اعظم نیروهای رومی، نبرد از روبه‌رو برای آنها حاصلی جز شکست در بر نخواهد داشت؛ بنابراین سرداران رومی در شرق، دست به اقدامات متناسب با توانایی امپراتوری در برابر پیشروی ارتش ایرانی به سوریه زدند. این اقدامات شامل اجتناب از رویارویی با ارتش ساسانی و تکیه بر قلعه و استحکامات بود. همچنین، رومیان با استحکام‌بخشیدن به کرانه فرات و تخریب پل‌های فرات و پیروی از سیاست زمین سوخته که شامل تمام سرزمین‌های جاده بین دجله و فرات می‌شد، مانع پیشروی سریع ایرانیان شدند. هدف از بین بردن محصولات زراعی، جلوگیری از جمع‌آوری تدارکات سپاه ساسانی، برای حمله طولانی مدت به سرزمین‌های روم بود. این سیاست موفقیت‌آمیز بود و یکی از دلایل اصلی بود که مانع پیشروی سریع ایرانیان به سوریه از طریق اوسرینه شد و شاهپور را مجبور کرد تا به شمال بین‌النهرین تغییر مسیر دهد.

قلعه‌های مستحکم، نقش مهمی نیز در جلوگیری از حمله ایرانیان به سوریه داشتند. این قلعه‌ها از یک سو، نقاط مستحکم برای سواره‌نظام ایجاد کردند و برای مانورهای نظامی استفاده می‌شدند و در نتیجه به سیاست رویارویی نداشتن و حفظ ارتش میدانی شرقی پایبند شدند. سابیانوس این سیاست را در ادسا اعمال کرد که در آن متمرکز شده بود و این نقش مهمی در حفاظت از گذرگاه فرات در زوگما داشت. از سوی دیگر، او از اعزام نیروی امدادی برای رهایی محاصره‌شدگان در آمد، امتناع کرد؛ زیرا از نگاه او اگر ایرانیان به جای آنکه به سوریه حمله کنند در طول تابستان در شهر آمد گرفتار می‌شدند، این امر برای رومیان رضایت‌بخش بود. هدف دیگر استحکامات و قلعه‌ها، تضعیف انرژی و توان ایرانیان بود تا آنان را

۹. سماک محمدی، علی، (۱۳۹۲)، تاریخ شاهنشاهی بزرگ ساسانی، جلد چهارم شاهپور دوم (بزرگ)، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی: تهران.
۱۰. عبدالکاظم جواد النوری، میثم، (۲۰۱۷)، التنافس الروماني - الساساني ۲۲۶-۴۷۶ م، دار و مکتبه عدنان: بغداد.
۱۱. فرای، رن، (۱۳۹۴)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان»، تاریخ ایران کیمبرج، جلد سوم (بخش اول)، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر: تهران.
۱۲. کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۶۸)، ایران در زمان ساسانیان، دنیای کتاب: تهران.

۱۳. المقدسی البشاری، شمس‌الدین أبو عبدالله محمد بن أحمد، (۱۹۹۱)، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، مکتبه مدبولی: القاهرة.
۱۴. میقانی، کاظم، (۱۳۹۳)، روابط بیزانس و ایران در نیمه اول قرون وسطی (۲۲۶-۶۴۱ میلادی)، مؤسسه انتشارات بعثت: تهران.
۱۵. وینتر، انگلبرت، دیگناس، بئاته، (۱۳۸۶)، روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاووس جهانداری، فرزانه روز: تهران.
۱۶. الهمذانی، أحمد بن محمد، (۱۳۰۲)، البلدان، مطبعة بریل: لیدن.

ب- منابع لاتین

17. Ammianus Marcellinus, (1935, 1940), *The Roman History of Ammianus Marcellinus*, Books 21, 19-18, vol I-II tr J.c. Rolfe, Loeb Classical Library.
18. Appian, *The Mithridatic Wars*, tr H White, Livius.org, Articles on ancient history.
19. Banaji, J, (2001), *Agrarian Change in Late Antiquity Gold, Labour, and Aristocratic Dominance*, Oxford University Press.
20. Blockley, R. C, (2008), "Warfare and diplomacy", in: *The Cambridge Ancient History* (TCAH), ed: Averil Cameron and Peter Garnsey, Cambridge University Press, vol xiii, Pp 411-437.
21. ——— (1992), *EAST ROMAN*

از هدف اصلی، که تصرف سوریه بود، بازدارد. این پژوهش نشان داد شاهپور از طولانی شدن محاصره آمد متحمل تلفات سنگین شد؛ همچنین چون شهر آمد بسیار مستحکم بود، محاصره فصل زمستان به دراز کشید، به طوری که شاهپور دیگر ادامه جنگ و فتح سوریه را از سر به در کرد و مجبور به عقب‌نشینی و بازگشت به کشور شد و به طور خلاصه نشان داده شد چگونه نامه سری پروکوپیوس از شکست بزرگ رومی‌ها در مقابل شاهپور دوم جلوگیری کرد.

کتاب‌نامه

۱- منابع فارسی و عربی

۱. باقر، طه، (۲۰۱۱)، مقدمه فی تاریخ الحضارات، ج ۲، دار الوراق: بغداد.
۲. جلیلیان، شهرام، (۱۳۹۷)، تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها: تهران.
۳. حسین طلائی، پرویز، (۱۳۹۶)، «جغرافیای تاریخی شهر آمد و جایگاه آن در مناسبات ایران و روم در روزگار ساسانیان»، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام، شماره ۲۱، صص ۹۰-۱۱۶.
۴. الحموی، یاقوت، (۱۹۷۷)، معجم البلدان، المجلد الأول، دار صادر: بیروت.
۵. ابن حوقل، أبو القاسم، (۱۹۹۲)، صورة الأرض، دار مکتبه الحیاة: بیروت.
۶. ابن خردادبه، ابی القاسم بن عبیدالله بن عبدالله، (۱۸۸۹)، المسالک و الممالک، مطبعة بریل: لیدن.
۷. داوودی، جلاقیل، (۲۰۰۷)، انطاکیه القدیمة، ترجمه محمد الحاج، دار الرأی: دمشق.
۸. دریایی، تورج، (۱۳۹۲)، امپراتوری ساسانی، ترجمه خشایار بهاری، فرزانه روز: تهران.

337-363, Pen & Sword Military: Britain – Barnsley.

33. Harries, J, (2012), *Imperial Rome AD 284 to 363 The New Empire*, Edinburgh University Press.

34. Hilken, A, (2014), *The Anonymous Syriac Chronicle up to the Year 1234 and its Sources*, Ph.D. dissertation, Universiteit Gent.

35. HUNT, D, (2008), “THE SUCCESSORS OF CONSTANTINE”, in: *The Cambridge Ancient History (TCAH)*, Ed: Averil Cameron and Peter Garnsey, Cambridge University Press, VOL XIII, pp 1-43, DOI: <https://doi.org/10.1017/CHOL9780521302005.002>.

36. ISAAC, B, (2008), “The eastern frontier”, in: *The Cambridge Ancient History (TCAH)*, Ed: Averil Cameron and Peter Garnsey, Cambridge University Press, VOL XIII, Pp 437-461.

37. Lee, A. D, (2017), “The Fourth-Century Roman Empire: Persia”, in: *The Late Roman Empire Part VIII*, published wiley online Library: <https://doi.org/10.1002/9781119099000.wbaba.t0770>.

38. ——— (2007), *WAR IN LATE ANTIQUITY A Social History*, Blackwell Publishing Ltd.

39. ——— (1993), *INFORMATION AND FRONTIERS ROMAN FOREIGN RELATIONS IN LATE ANTIQUITY*, Cambridge University Press.

40. Libanius, (1903), *Libanii Opera, Vol. II: Orationes XII-XXV (Bibliotheca Scriptorum Graecorum et Romanorum Teubneriana)*, ed. R. Forster, Teubneri.

41. Lightfoot, C.S., (1986), “TILLI - A LATE ROMAN EQUITES FORT ON THE TIGRIS?”, In: *The Defence of the Roman and Byzantine East: Proceedings of a Colloquium Held at the University of Sheffield in April 1986*, Editors Philip Freeman and David Kennedy, Oxford: B. A. R, Pp 529- 509.

42. ——— (1982), *The Eastern Frontier of the Roman Empire with special reference to the reign of Constantius II*. St. John's College, Oxford. D.Phil. Michaelmas Term 1981.

43. Maksymiuk, K, (2018), “Strategic aims of Šapur II during the campaign in northern Mesopotamia (359- 360)”, *Historia i Świat*, Publisher Institute of History, Faculty of Humanities, Siedlce University, Poland, No 7, Pp 97-87.

FOREIGN POLICY Formation and Conduct from Diocletian to Anastasius, Published by Francis Cairns (Publications) Ltd c/o The University, Leeds, LS2 9JT, Great Britain.

22. ——— (1988), “Ammianus Marcellinus on the Persian Invasion of A. D. 359”, *Phoenix*, Published by: Classical Association of Canada, Vol. 42, No. 3, Pp 244-260.

23. ——— (1986), “The Coded Message in Ammianus Marcellinus 18.6.17–19”, *Echos du monde classique: Classical views*, Published by University of Toronto Press, Vol XXX, n.s. 5, Number 1, Pp 65-63.

24. Burns, R, (2017), “Justinian’s Fortifications East of Antioch”, in: *Basileia*, Editors Geoffrey Nathan and Lynda Garland, Brill, Vol 17, Pp 121–140.

25. Butcher, Kevin, (2003), *Roman Syria and the near East*, published by The British Museum Press A division of The British Museum Company Ltd 46 Bloomsbury Street, London WCIB 300.

26. Dillemann, L., (1961), “Ammien Marcellin et les pays de l’Euphrate et du Tigre”, in: *Syria*, Published by Institut Francais du Proche-Orient, T 38, Fasc 1/2, Pp. 87-158.

27. DEMİR, M and KEÇİŞ, M, (2017), “NISIBIS AT THE BORDER OF ROMANS AND SASANIANS BETWEEN THE THIRD AND FIFTH CENTURIES AD.” *presented at XII. Internatioanl Limes (Roman Borders) Congress, 6-11 September 2012, Ruse, Bulgaria*, TAD, C. 36/ S. 62, 2017, s. 1-29: DOI: 10.1501/Tarar_0000000663.

28. Dodgeon, M. H. and Lieu, S. N.C., (1991), *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars AD 226-363 A Documentary History*, Routledge: London and New York.

29. Edwell, P, (2013), “Sasanian Interactions with Rome and Byzantium”, *The Oxford Handbook of Ancient Iran*, ed by D. T. Potts, Oxford Handbooks Online, Pp 1-12.

30. Farrokh, K, and Others, (2018), *The Siege of Amida (359 CE)*, Siedlce University.

31. Goldsworthy, A, (2008), “War”, In: *THE CAMBRIDGE HISTORY OF GREEK AND ROMAN WARFARE, VOL II: Rome from the late Republic to the late Empire*, (2008). Edited by PHILIP SABIN, HANS V. WEES and M. WHITBY, Cambridge University Press, Pp 121-76.

32. Harrel, J.S, (2016), *The Nisibis War 337–363 The Defence of the Roman East AD*

Revival and Disaster (491– 636), University of Tampere: Finland.

54. Trombley, F. R., (2007), “The Operational Methods of the Late Roman Army in the Persian War of 572-591”, *The Late Roman Army in the Near East from Diocletian to the Arab Conquest Proceedings of a colloquium held at Potenza, Acerenza and Matera, Italy (May 2005)*, Edited by Ariel S. Lewin Pietrina Pellegrini with the aid of Zbigniew T. Fiema and Sylvain Janniard, British Archaeology Reports, International Series 1717: Oxford: Archaeopress, Pp 356-321.

55. Whitby, M, (2008), (WAR), In: *THE CAMBRIDGE HISTORY OF GREEK AND ROMAN WARFARE*, VOL II: Rome from the late Republic to the late Empire, (2008). Edited by PHILIP SABIN, HANS VAN WEES and MICHAEL WHITBY, Cambridge University Press, Pp 342-310.

56. ————— (2002), *Rome at War AD 293-696*, Osprey Direct UK.

57. Whittow, M, (2010) “The late Roman/early Byzantine Near East”, In: *THE NEW CAMBRIDGE HISTORY OF ISLAM*, VOL I The Formation of the Islamic World Sixth to Eleventh Centuries, Edited by CHASE F. ROBINSON, Cambridge University Press.

58. Zonaras, (2009), *THE HISTORY OF ZONARAS From Alexander Severus to the death of Theodosius the Great*, Book XIII.1–19, tr T. M. Banchich and E. N. Lane, Routledge: London and New York.

متن لاتینی نامه‌ای پروکوپيوس

amendatis procul Graiorum legatis, forsitan et necandis, rex longaevus non contentus Hellesponto iunctis Granici et Rhyndaci pontibus, Asiam cum numerosis populis pervasurus adveniet, suoapte ingenio irritabilis et asperrimus, auctore et incensore Hadriani quondam Romani principis successore; actum et conclamatum est, ni caverit Graecia.

(Ammianus Marcellinus, 18.6.18, P 444)

44. Matthews, J, (1989), *The Roman Empire of Ammianus*, Gerald Duckworth & Co. Ltd.

45. Paulsen, Massimiliano diliberto (2015), “LE PERFUGA ANTONINUS. REMARQUES SUR AMMIEN XVIII, 5”, *Camenulae* 12, Lettres Sorbonne Université, <https://lettres.sorbonne-universite.fr/camenulae-12-avril-2015>.

46. Potter, David, (2015), “Measuring the Power of the Roman Empire”, in: *East and West in the Roman Empire of the Fourth Century*, Edited by Roald Dijkstra, Sanne van Poppel and Daniëlle Slootjes, Published by Brill, VOL 5, Chapter 2: Pp 26-48

47. ————— (2013), *THE EMPERORS OF ROME THE STORY OF IMPERIAL ROME FROM JULIUS CAESAR TO THE LAST EMPEROR*, Quercus: London.

48. ————— (2004), *THE ROMAN EMPIRE AT BAY AD 180–395*, Routledge: London and USA.

49. Richard, M, Bonner, J, (2017), “A Brief Military History of the Later Reign of Šāpur II”, *Historia i Świat*, Instytut Historii i Stosunków Międzynarodowych Uniwersytet Przyrodniczo- Humanistyczny w Siedlcach, Pp: 105-97.

50. Seager, R, (2009), “Perceptions of eastern frontier policy in Ammianus, Libanius, and Julian (337–363)”, *The Classical Quarterly*, Published online by Cambridge University Press: DOI:10.1093/cq/47.1.253, Vol 47, Issue 01 / May 1997, Pp 268 – 253.

51. Stein, A, (1936), “The Roman Limes in Syria: Review”, Reviewed Work(s): *La Trace de Rome Dans Le Desert de Syrie. Le Limes de Trajan à la conquête arabe. Recherches Aériennes (1925 - 1932)* by A. Poidebard, in: *The Geographical Journal*, Published by The Royal Geographical Society (with the Institute of British Geographers), Vol 87, No 1, Pp. 66-76.

52. S Parker, Th, (2006), *The Frontier in Central Jordan, Final Report on the Limes Arabicus Project*, Vol I, Washington D.C.: Dumbarton Oaks, 544–545.

53. Syvänne, I, (2004), *The Age of the Hippototai: Art of War in Roman Military*

